

کرزي طی یک دهه چه میراثی از خود بجا گذاشت؟؟؟

(انواع پدیده های منفی چون: تنگ سالاری، ماجراجویی، خویشخوری، رشوت ستانی، بی

مسئولیتی، چور و چپاولگری، زورگویی، منطقه پرستی، روزگدرانی، و ...)

« قسمت یازدهم - صباح »

در قوای مسلح چه میگذرد؟



گناهی ما فقط مهري وطن بود

تمام جرم من در ما شدن بود

یکی من میگفت و دیگری تو

به جاده هانبردی تن به تن بود.

جنگ - سرنوشت بشر نیست اما بخش قابل ملاحظه یی از تاریخ بشر را دربر گرفته است . کلمه یی ست که رنج انسان ها را یاد آور می شود و رویاها را می دزدد. جنگ بسیاری از چیزها را از ما دزدید و با خود برد. شاید با خود برد تا سیمای قهرمانانه مردم ستمدیده را بسازد . جنگ کشور جنگ نابرابری بود که بین ظالم و مظلوم ، بین حق و ناحق و بین چپاولگران و ستمدیده گان و همچنان ادامه دارد. جنگ و چپاولگری کشور را به ویرانه ، شهر را به شهر ارواح و خانه ها را به ماتم سر امبدل گردانید. انسانهای زیادی را به کام مرگ کشاند .

سال هاست که امریکا و متحدین در کشور حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم ، زیرا پس از سقوط طالبان ، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول با زگذاشته شد .

حال نه تنها بر مردم ما بلکه بر اکثر مردم دنیا آشکار گشته است که با وصف حضور نیروهای صدوپنجاه هزاره خارجی و ادعاهای بلند بالایی دولت ، هنوز هم کشور به عنوان یکی از مراکز فجایع حقوق بشر باقی مانده است، ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح ، افزایش بی سابقه خود کشی و خود سوزی زنان، تهدید فامیلها تا دختران خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، ممنوعیت

ظاهر شدن آواز خوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوه‌هایی که چاره‌ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و... مردم نه تنها خواستار خلع سلاح و حذف نیروهای جنگ سالار هستند، بلکه این راه را تنها راه اعاده امنیت در کشور می‌دانند.

همین اکنون یک سوءتفاهم می‌تواند منجر به کشته شدن صد ها نفر شود و عده زیادی از مردم را در هول و ترس فروبرد، زندگی زیر سایه یک جنگ سالار هیچ گاه امنیت را برای میهن تامین نخواهد کرد. اگر قدرت جنگ سالاران و باندهای مافیایی مواد مخدر تحت حمایت آنها مهار نشود، شرایط فعلی نه تنها امنیت کشور را به مخاطره خواهد افکند که مشکلات بسیاری را برای نیروهای خارجی پیش خواهد آورد و یک بار دیگر وطن را به کام نیستی خواهد کشاند.

هم اکنون دهها هزار میل سلاح نزد گروه های مسلح وجود دارد که عامل نا امنی در کشور هستند. اگر سلاح جمع اوری شده باشد، پس اینهمه زورگویی، درگیری، قتل و جنایت چگونه اتفاق می‌افتند. همین حالا تنظیم های حزب اسلامی گلبدین، جمعیت وارثین برهان الدین ربانی، شورای نظاری پنجشیری، اتحاد سیاف، وحدت، خلیلی، محقق، اکبری، حرکت انوری و محسنی و... کاملاً مسلح بوده، والیان و قوماندانان امنیه تنظیمی هر یک دهها میل سلاح در اختیار دارند. سرگروه ها و بعضی از فرماندهان و مسوولان این تنظیم ها در دولت نیز شرکت داشته ولی دیپو های خود را حفظ کرده اند. چرا این همه بیدادگری و زورگویی و ستیزه جوی در کشور به پایان نمیرسد؟ زیرا در کشور قوای مسلح نیرومند، ادارات آگاه و بیدار امنیتی و دولت دلسوز نداریم، متأسفانه آگاهانه از جانب متحدین غربی سلاح و مهمات کافی بدسترس ما گذاشته نمیشود تا مشکلات را از راه برداریم.

سی.ان.ان به نقل از گروه بحران بین‌المللی گزارش داد که تلاش برای اصلاح پولیس ملی به دلیل فساد و فقدان اراده سیاسی با ناکامی مواجه شده و پولیس به جای کمک به برقراری نظم اجتماعی به مبارزه با طالبان پرداخته است. گروه بحران می‌افزاید: اردوی آمریکا... همچنان به پولیس به‌مثابه ابزار امنیتی کمی می‌نگرد به‌جای اینکه پولیس را در جای خود که همان برقراری قانون است به کار گیرد.

با گذشت ده سال، نیروهای آمریکا و ناتو به نام مبارزه با تروریسم همچنان در افغانستان باقی مانده و معلوم نیست که جامعه جهانی و کشورهای بزرگ جهانی و دولتهای منطقوی تا چه زمانی این استقرار را تحمل کنند. تداوم کشتار غیرنظامیان بدست نیروهای خارجی به عنوان یک معضل امنیتی خطرناک و حساسیت برانگیز، باز هم اعتراضات مقامات و مردم افغانستان را در پی داشته است. بمباران های متعدد و حملات پی در پی و گاه و بیگاه نظامیان آمریکا و ناتو در حالی جان و سلامت غیر نظامیان و افراد بیگناه را تهدید می‌کند که کرسی، برخی از وزرا و مقامات دولتی، نمایندگان پارلمان

و سازمان های حقوق بشر داخلی و خارجی، سران و نمایندگان احزاب و جریان های سیاسی بصورت زبانی، خودسری ها و اقدامات خشونت بار نیروهای خارجی را محکوم کرده اند.

تکرار کشتار زنان و کودکان و افراد غیر نظامی توسط نظامیان خارجی یکی از مسائل و چالش ها فراوی دولت به شمار می رود و برخی از صاحب نظران معتقدند که باید مقامات دولتی در برابر حفظ جان اتباع کشور، جدیت و جانفشانی بیشتری داشته باشند و با روی دست گرفتن سازوکارهای مناسب و قوی جلو اقدامات غیر قانونی نیروهای خارجی و کشتار غیر نظامیان بدست آنان را بگیرند.

بعد از لشکرکشی ایالات متحده آمریکا به افغانستان که بیشتر از ده سال سپری میشود و میلیاردها دلار حریف و میل فرماندهان نظامی پنتاگون و ناتو و مسوولین نظامی و دولتی افغانستان گردیده و تا اکنون کشور از نیروی مسلح کارآمد و دلسوز برخوردار نیست. رهبری ارگانهای نظامی مصروف چوروچپاول دارایی عامه بوده اند، کوچکترین توجهی به نیرومندی و خودکفایی قوای مسلح نکردند.

کسی نیست که از ریس جمهور کرزی بپرسد- که طی این ده سال چه دست آوردی در وزارت دفاع ملی دارید؟ و طی این مدت نتوانسته اید قوای مسلح را اکمال و تجهیز نماید، در صورتیکه هزاران جنرال، دگروال، دگرمن، جگرن، بریدمن و بریدگی های تعلیم یافته و باتجربه جبراً از جانب وزارت دفاع به تقاعد سوق گردیده اند و هر روز دست به مظاهره و تجمع میزنند تا حقوق داد خواهانه شان بگوش مقامات ارگ و مسوولین وزارت دفاع برسد که نمیرسد.

باگذشت هر روز ساحه حاکمیت دولت محدود و حلقه محاصره شهرها تنگ تر و مخالفین از مدافعه به تعرض روی می آورند. اگر در هر کشوری دیگری باشد، چنین حوادثی به مفهوم ناتوانی نظامی و ناکارایی مسوولین بلند پایه ارگانهای قوای مسلح تعبیر شده و ریس جمهور و پارلمان دست به کار شده و مقامات نظامی را مورد تنبیه و سرزنش قرار داده و به محاکم و دادگاه میکشانند. اما بالاندوه و درد در وطن ما، ریس جمهور و پارلمان نه تنها مقامات ارگانهای قوای مسلح را مجازات نمی نمایند، بلکه مکافات و مورد لطف و شفقت و نوازش نیز قرار میدهند.

امروز پرسونل قوای مسلح بجز از چند عراده موتر فورد آمریکایی چه دارند تا به درجه خودکفایی امنیتی برسند؟ قوای مسلح متأسفانه طی این هشت سال نتوانست از سخاوت های پنتاگون مستفید شده و مالک تانک، توپ، راکت، سلاح و وسایط ثقلیه و خفیفه شوند. وزارت داخله و ریاست عمومی امنیت ملی نیز وضعیت به مراتبها غم انگیز تر نسبت به وزارت دفاع دارند. در گوشه و کنار وطن روزانه ده ها نیروی قوای مسلح کشته و زخمی میشوند و اما کسی نیست که مسوولین را مورد باز پرس و سرزنش قرار بدهد.

طی این مدت فرار از خدمت عسکری، و کم تجربگی نیروها در مدیریت جنگهای فرسایشی، بی اعتمادی و خود سری نظامیان آمریکا و ناتو و عدم مشارکت نیروهای محلی در عملیاتها، گسترش حوزه فعالیت طالبان و پیشرفت در تاکتیکهای نظامی آنها، استراتژی جنگ چریکی و خستگی روانی نیروها، همگی مانع از عملکرد موثر اردوی ملی در به دست گیری و کنترل اوضاع شده است. بی کفایتی اردو، پولیس و نیروهای امنیت ملی در اوضاع نابسامان کنونی، گسترش روزافزون فساد و نبود استراتژی نظامی از اعتبار و پرستیژ این نیروها کاسته میشود.

کوشش در جهت ایجاد اردوی ملی و همزمان با آن احیای ملیشه بازی و درپهلوی آنها توسل به مصلحت گرایی همان نتایجی را در بر دارد که تا حال داشته است و تازمانی که مصلحت و روز مره گی اساس کار و سیاست باشد، که هست، هیچ نشانه ای از بهبود را نخواهیم دید. دولت خود را به مصالح گروه های گوناگون متعهد می داند و بر همین اساس روزانه بر نامه می سازد. با قدرتمندان درون دولت، با قوماندانان محلی، نیروهای محافظه کار، با جامعه جهانی و... و برآیند آن نیز همین است که هست. در این میان آنکه هرگز مورد توجه قرار نمی گیرد و نقشی را که می تواند بر عهده بگیرند نادیده گرفته میشود اکثریت مردم افغانستان است که از فقر و مرض و بی سر پناهی و بیکاری رنج می برند. دومیلیون بیکار، پنج میلیون گرسنه و مریض و... موفقیت آمریکا در افغانستان با اعمال سیاست های نابخردانه در افغانستان، مانند تفتیش خانه ها و بازرسی بدنی زنان و مردان، توهین به فرهنگ و آداب آن ها و... موجب باز قدرت گرفتن دوباره طالبان گردید که در نهایت آمریکا را مجبور کرده است باب مذاکره را باز کند.

با افزایش شمار سربازان کشته شده آمریکایی در جنگ با طالبان و آشکار شدن ناتوانی دولت کرزی برای کنترل کشور، حمایت های عمومی به تدریج از این جنگ کاهش یافت.

برگزاری انتخابات پارلمانی از دیگر اتفاقات مهم در افغانستان بود. میزان مشارکت، بسیار پایین بود و طبق آمار رسمی تنها حدود یک سوم از واجدین رای دادن، بر سر صندوق ها حضور یافتند. همچون انتخابات گذشته مواردی همچون مخدوش کردن آرا و ارباب رای دهندگان از سوی مخالفین به وفور به چشم می خورد. در نهایت حدود ۲۰ درصد یعنی ۱/۳ میلیون رای به دلیل تقلب انتخاباتی مردود اعلام شد. تا پایان سال ۲۰۱۰، با رهبری متزلزل کرزی و مقاومت طالبان، دولت اوباما تصمیم گرفت برخلاف وعده پیشین خود، سال ۲۰۱۴ را زمان پایان حضور نظامیان آمریکایی در افغانستان اعلام کند. هرچند این مهم بیشتر تحت تاثیر فشار افکار عمومی مطرح می گردد. گویا مشکلاتی که آمریکا در افغانستان دارد که بخش اعظم آن را خود بوجود می آورد در راستای این مهم می باشد که حضور آمریکا را در افغانستان توجیه کند.

در سال ۲۰۱۰ برخی از اعضای طالبان، کرزی و مشاورینش برای پایان دادن به جنگی ۹ ساله به مذاکره با یکدیگر پرداختند. رهبران طالبان که برای محافظت از جانشان هویت خود را محفوظ نگاهداشتند، از طریق نیروهای ناتو وارد این مذاکرات شدند. گفته می‌شد یکی از مخالفین در این مذاکرات ملا اختر محمد منصور، فرد شماره ۲ طالبان در افغانستان بود. بعد از چند هفته مشخص شد مذکور کاسبی ساده از شهر کوپته بوده که توانست کرزی و مقامات ناتو را فریب دهد.

همزمان با یازدهمین سالگرد حضور آمریکادر افغانستان و ناتو ارزیابی‌ها از وضعیت کشور همچنان در صدر مطالب رسانه‌ها و محافل سیاسی قرار دارد. رئیس دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در افغانستان از ادامه وخامت وضعیت مردم کشور می‌گوید. اشتوکرکه پس از هفت سال پست رئیس دفتر نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در افغانستان را ترک می‌کند گفت، بر اثر ادامه جنگ، غیرنظامیان در افغانستان نه در برابر یک خط مقدم که بین چندین خط گرفتار شده‌اند به طوری که دسترسی به خدمات صحی برای آنان به مشکلی فزاینده تبدیل شده است. حمله به کارکنان وسائط نقلیه و تأسیسات صحی را نمی‌توان به عنوان بخشی از روند عادی هدایت جنگ قلمداد کرد و روند امداد رسانی نباید متوقف شود.

ماهنامه آمریکایی پروگرسو نیز با اشاره به هزینه‌های جانی و مالی ادامه حضور در افغانستان نوشت، اگرچه جورج بوش رییس جمهوری قبلی امریکا آغازگر این جنگ بیهوده بود، اما امروز، بی شک سیاست‌های غلط باراک اوباما رئیس جمهوری این کشور، موجب تشدید جنگ و بحران در افغانستان شده است. جنگ افغانستان، امروز جنگ باراک اوباما است. وی دستور سه برابر شدن نیروهای آمریکایی در افغانستان را داد و او را باید مسئول افزایش شمار تلفات نظامیان آمریکایی در آن سرزمین دانست. امریکا برای انتقام از سه هزار نفری که در یازده سپتامبر جان باختند، تنها در افغانستان، دست کم بیست هزار قربانی گرفته است. هزاران نفر نیز بر اثر عوارض جنگ، از جمله گرسنگی و بیماری، جان داده و یا معلول شده‌اند.

اما خسارت‌های جنگ افغانستان، تنها به تلفات جانی محدود نمی‌شود. جنگ افغانستان تا اینجا برای مردم آمریکایی، ششصد میلیارد دلار هزینه داشته و تقریباً هر هفته دو میلیارد دلار به این میزان اضافه می‌شود که بار آن، بر دوش مالیات دهندگان آمریکایی است.

دولتمردان آمریکایی می‌کوشند، آموزش نظامیان افغان را بهانه ادامه حضور افغانستان قرار دهند. هر روز، بر شمار سربازان آمریکایی که توسط نظامیان افغان کشته می‌شوند، افزوده می‌شود. پس اگر به اصطلاح 'دوستان ما' دارند ما را می‌کشند، چه دلیلی دارد که در آن کشور بمانیم؟ این مجله دلیل واقعی ادامه حضور در افغانستان را تلاش امریکا برای تسلط بر چین در شرق و ایران در غرب و همچنین کنترل راه‌های ارتباط تجارتي کشورهای آسیای میانه با دریای عمان دانست.

در همین حال یک روزنامه آلمانی هم در ارزیابی از یازده سال موجودیت در افغانستان، انرا شکستی بزرگ و مفتضحانه برای امریکا و ناتو دانست و خواستار اعتراف آنان در این خصوص شد. روزنامه فرانکفورتر روند شای در تحلیلی نوشت زمان آن فرارسیده که آلمان و غرب بالاخره به واقعیت های افغانستان یعنی شکست مفتضحانه خود در اعتراف کنند. چندی پیش نیز موسسه هاینریش بول آلمان اعلام کرد که امریکا و ناتو نمی خواهند از شکست افغانستان سخنی بگویند و در این باره چیزی بدانند. زمانی که هارالد کوچات یکی از مقامات بلند پایه سابق اردوی آلمان چند ماه پیش در این باره سخنی به میان آورد، به شدت مورد حمله و انتقاد قرار گرفت



بقیه گزیده های مقالات (صبح) اینجا کلیک نماید

admin@vatandar.at

مدیر مسوول : انجنیر هما یوسفی
صاحب امتیاز : انجنیرنجیب یوسفی
کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد